

واکاوی حقوقی مزایای مثبت داوری تجاری بین المللی در خصوص قراردادهای نفت و گاز در عرصه بین الملل

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۱/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۳/۰۹)

سعید چقا کبودی

چکیده

در یک تقسیم بندی، داوری به دو دسته داخلی و بین المللی منقسم است. در برخی از کشورها از جمله ایران، دو رژیم حقوقی متفاوت بر داوری های داخلی و بین المللی حاکم است. امتیازات داوری نسبت به دادرسی در دادگاه ها باعث شده که داوری به شدت در تجارت بین الملل مورد قبول واقع شود. از آنجا که یک دادگاه بین المللی برای حل و فصل اختلافات تجاری بین المللی وجود ندارد که تجار و بازرگانان بتوانند اختلافات خود را از طریق آن حل و فصل کنند، آنها ناگزیرند دعوی خود را نزد یکی از دادگاه های ملی طرح کنند. دادگاه های ملی ممکن است برای رسیدگی به یک دعوای بین المللی که طرفین آن در کشورهای مختلف اقامت دارند، خود را صالح ندانند. به علاوه، یک طرف دعوی ممکن است دولت باشد که در این صورت به موجب یک اصل پذیرفته شده در حقوق بین الملل، دولتها از مصونیت قضایی برخوردار بوده و هیچ دادگاه ملی نمی تواند علیه دولت مستقل دیگری رای صادر نماید. در حالی که داوری ریشه در یک نظام حقوقی ملی ندارد و می تواند به دعوای تجاری بین المللی اعم از اینکه یک طرف دولت باشد یا یک فرد خصوصی، رسیدگی کند. در صنعت نفت و گاز، قراردادهای متنوع و گوناگونی در بخش بالا دستی و پایین دستی منعقد می گردد. با توجه به اهمیت قراردادهای مذکور لازم دیدیم مقاله ای در این راستا تحت عنوان مزایای مثبت داوری تجاری بین المللی در خصوص قراردادهای نفت و گاز در عرصه بین الملل مورد بررسی و پژوهش قرار دهیم.

واژگان کلیدی: داوری بین المللی، قرارداد نفت و گاز، حکمیت، آراء داوری، حل و فصل

اختلافات

بخش اول: کلیات

بند اول: تعریف داوری

داوری در لغت به معنای قضاوت، حکمیت، محاکمه، حکومت و حکم است. گفته شده که داور در اصل دادور بوده، به معنای صاحب داد که برای آسانی تکلم دال دوم آن، حذف شده است. داور کسی است که درباره موضوعی که به او ارجاع شده، قضاوت می کند و در مورد اینکه حق با چه کسی است، اظهار نظر می کند. داوری به عنوان روش حل و فصل اختلافات به صورت های گوناگونی تعریف شده است. مطابق تعریفی که در سال ۱۸۹۹ در کنفرانسی با حضور نمایندگان ۴۴ کشور برگزار شد، داوری چنین تعریف شده است: «حل و فصل اختلافات طرفین بر اساس رعایت قانون توسط قضاتی که خود انتخاب کرده اند.» (هندرسون، ۱۹۹۵، ص ۱۲)

برخی حقوقدانان داوری را به اختصار به «فصل خصومت توسط غیرقاضی و بدون رعایت تشریفات رسیدگی دعاوی» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۲۶) تعریف کرده اند. این امر در واقع یکی از مهمترین علل عدول از رسیدگی های قضایی، تشریفاتی بودن رسیدگی ها می باشد. یعنی طرفین اختلاف باید پیش از شروع رسیدگی، در خلال مدت رسیدگی و پس از صدور حکم، قواعد پرپیچ و خم آیین دادرسی را رعایت کنند در حالی که داور به هر طریقی از جمله تلفن می تواند درخواست های طرفین را به هم ابلاغ کند. در حالی که برخی دیگر با تعریف طولانی تر داوری را چنین تعریف کرده اند:

«داوری روشی است که با استفاده از آن دو یا چند شخص ذی نفع حل و فصل مسئله ای را به یک یا چند شخص دیگر محول می کنند که اختیارشان را از قرارداد خصوصی و نه مقامات یک دولت اخذ کرده اند و بر اساس این قرارداد باید مسئله مزبور را پیگیری نمایند و نسبت به آن تصمیم بگیرند.» (شیروی، ۱۳۹۲، ص ۹).

در بند الف ماده ۱ قانون داوری تجاری بین المللی ایران داوری بدین ترتیب تعریف شده است:

«داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی.» صرف نظر از اینکه در این تعریف از کلمه غیرفارسی و سنگین متداعیین استفاده شده و جمله به فعل با پایان نرسیده است، تعریف مزبور اولاً به جنبه قضایی رسیدگی در داوری توجه نکرده و به این جهت تعریف شامل سایر روش های حل

و فصل اختلافات نظیر سازش و میانجیگری می شود در حالی که میانجیگری بدون صدور رای به اختلاف پایان می دهد. ثانیاً تعریف به نحوه حل و فصل اختلافات که باید مبتنی بر اصول حقوقی باشد، اشاره ای نکرده است. ثالثاً تعریف مزبور به لازم الاجراء بودن رای و تصمیم داور نیز اشاره ای نمی کند. به هر حال تعریفی از داوری از نظر جامع و مانع بودن قابل انتقاد خواهد بود شاید به این دلیل که اکثر قوانین ملی، داوری را تعریف نکرده اند. به هر حال طبق یک تعریف پیشنهادی می توان داوری را بدین شکل تعریف کرد: «داوری فرآیندی است که به موجب آن اختلاف طرفین نسبت به حقوق و تکالیف قانونی خود از طریق قضاوت یک یا چند نفر داور به جای دادگاه حل و فصل می شود و تصمیم مزبور لازم الاجراء می باشد.»

بند دوم: داوری بین المللی

آنچه در خصوص داوری تا اینجا ذکر شد نشان می دهد که مطلوبیت و پیشرفت قابل توجهی در حوزه سیستم های ملی حقوقی به وجود آمده است که بزرگترین فواید آن در اختلاف های بین المللی منعکس می شود. بنابراین یکی از مشخصه های بارز حقوق مدرن داوری، تقسیم آن به داوری بین المللی و داخلی است. داوری بین المللی با همتای داخلی اش در اینکه اولی حتی باید بیشتر از پیچیدگی های داخلی فارغ باشد، متفاوت است. (بوگال و تراویدی، ۲۰۰۸، ص ۳۹) به هر صورت همیشه تصمیم گیری درباره اینکه داوری بین المللی است یا داخلی به این سادگی نیست زیرا هر قانون ملی برای خودش آنچه را که داخلی یا بین المللی می داند تعریف می کند. مرز بین این دو نوع داوری می تواند نتیجه عملی مهمی در بر داشته باشد. به طور مثال بین المللی بودن داوری برای شناسایی و اجرای آراء داوری تحت کنوانسیون نیویورک مهم است. قانونگذاران و قضات در بسیاری از کشورها فهمیده اند که داوری بین المللی، به خصوص در مسائل تجاری، مستلزم مقررات متفاوت نسبت به آنچه در داوری های داخلی به کار برده می شود، می باشد. داوری بین المللی به عنوان یکی از روش های حقوقی فیصله اختلافات بین المللی میان تابعان حقوق بین الملل یعنی کشورها و سازمان های بین المللی دولتی در مورد موضوعات حقوق بین الملل توسط داور یا دادرسان منتخب خود به نام داور یا داوران اعم از نهادهای غیر نهادینه، بر اساس مقررات حقوق بین الملل و استثنائات سایر ملاحظات حقوقی یا غیر حقوقی است. (بوگال و تراویدی، ۲۰۰۸،

بند سوم: بین المللی سازی داوری

در راس هر گونه برنامه مشارکتی بین المللی، ترتیبی برای حل و فصل اختلاف قرار گرفته است. در تجارت بین المللی، قاعده حقوقی بدون یک سیستم قضایی، باعث نگرانی در ارتباط با به کارگیری و تاثیر گذاری آن قاعده حقوقی می شود. تنها در این صورت است که حل اختلاف می تواند به عنوان یک رکن اساسی حقوق تجارت بین الملل مد نظر گیرد. صرف نظر از اینکه چنین سازوکاری از حل و فصل اختلاف بین المللی چه خوانده می شود، تنزل نقش دادگاه های ملی و افزایش روش های جایگزین حل اختلاف نشان دهنده عمق و عظمت فرآیند جهانی سازی است. همراه با تمرکز دایی از ساختار روابط اقتصادی بین المللی، تنها سیستم قضایی ماندگار آن است که از طرق همکاری و تنظیم متقابل تأسیس شده باشد. در ساختار کنونی روابط اقتصادی بین المللی، تمام اشکال حل و فصل اختلاف های بین المللی، عمومی یا خصوصی، سرانجام بر اساس توافق طرفین بنیان گذارده می شود. برخی از این ترتیبات همچون سیستم حل اختلافات «گات»^۱ چنان رشد کرده است که شاید موثرترین و پرکاربردترین آیین حل و فصل اختلافات بین المللی شود. به هر حال، حتی این نوع حل و فصل اختلافات بین المللی بخشی از مفهوم کلی تر داوری ملی است که می تواند در اشکال و ترکیب های مختلف ظاهر می شود. داوری می تواند بین طرفین خصوصی از کشورهای مختلف، بین دولت های حاکم یا سایر تابعان حقوقی بین الملل عمومی باشد و نوع سومی از داوری مربوط است به داوری با ماهیت مرکب، یعنی بین یک دولت و اتباع دولت های دیگر. (سوناراجا، ۱۹۹۰، ص ۹۱) استفاده گسترده از داوری در حقوق بین الملل عمومی و خصوصی، آشکارا به تغییرات ماهیت روابط بین المللی مربوط است. سرعت تغییر حل و فصل اختلافات بین المللی عمومی و خصوصی در سال های اخیر و حرکت به سمت یک سیستم قاعده مدار، داوری را به طور خاص در دل این تحولات قرار داده است. بنابراین بلوغ حقوق بین الملل در ثبات و نفوذ یک سیستم مبتنی بر قاعده حقوقی و یک مکانیسم حل و فصل اختلاف است. در حالی که این جامعه به سوی مشارکتی شده پیش می رود، نقش داوری به عنوان ماندگارترین گزینه برای حل اختلافات، محفوظ است.

^۱ WTO

بخش دوم: سازوکارهای داوری در حوزه نفت و گاز

بند اول: طرفین اختلاف

ارتباط اجاره نامه نفت و گاز یک چالش منحصر به فرد برای راه حل اختلاف ارائه می دهد زیرا طرفین رابطه می توانند بسیار متغیر باشند. به هر حال، در بسیاری از اجاره نامه ها یک طرف وجود خواهد داشت، یعنی موجر، که اغلب فاقد پیچیدگی مربوط به قراردادهای نفت و گاز و فرایند توسعه نفت و گاز می باشد. موجرهای معمولی افرادی هستند که صاحب ملک اجاره داده شده می باشند، یا اینکه صاحب مزایای معدنی در ملک می باشند. در سمت دیگر معامله مستاجر وجود دارد که معمولاً اطلاعات و تخصص بیشتری در رابطه با موضوع معامله اجاره دارد. اگرچه عبارت "مستاجر" بطور معمول مربوط به یک "شرکت نفتی" می باشد و ممکن است فرد خاصی باشد، مانند یک زمین شناس، که تلاش می کند که یک منطقه را اجاره کند، بنابراین این زمین می تواند عدل بندی شود، فروخته شود و به یک شرکت نفتی تخصیص داده شود. به هر حال، بطور معمول اجاره نامه ای که در مالکیت یک شرکت نفتی دارای تخصص توسعه نفتی و گازی است به پایان خواهد رسید. بعلاوه، نمونه اولیه روابط اجاره نامه یک موجر منحصر بفرد با یک سازمان نفتی و گازی پیچیده به عنوان مستاجر است.

بند دوم: اهداف تجاری طرفین

موجر: هدف تجاری اصلی موجر در اجاره نامه نفت و گاز به دست آوردن توسعه بدون ریسک پتانسیل های معدنی از اموال خود می باشد. موجر یک شریک مجهول می باشد؛ او هیچ سرمایه گذاری نمی کند به غیر از جاذبه های معدنی که در حال اجاره دادن است. موجر بطور معمول حداکثر توسعه اموال اجاره شده را می خواهد چرا که موجر هیچ یک از هزینه های توسعه را متحمل نمی شود. توسعه حداکثری بطور عادی با حداکثر کردن درآمد حاصل از حق امتیاز موجر حاصل می شود.

مستاجر: در سطح یک، اهداف تجاری مستاجر مانند موجر می باشند؛ حداکثر تولید از دارایی اجاره شده. به هر حال، از آنجا که مستاجر باید تمام ریسک مالی و سایر ریسک های مرتبط با توسعه را متحمل شود، یک واحد بیشتر تولید برای مستاجر الزاماً منجر به افزایش یک واحدی ثروت نمی شود. در میان اهداف تجاری مستاجر آزادی در تصمیم گیری برای توسعه درباره اموال

اجاره ای می باشد. به عنوان مثال، مستاجر بطور معمول اندکی از موجودی اجاره را نگهداری می کند که تعداد چاه هایی را افزایش می دهد که آنها اخیراً برای حفاری سرمایه گذاری کرده اند. بعلاوه، مستاجر فاکتورهای بسیاری را بررسی می کند برای شناسایی اینکه کدام ملک اجاره ای با سرمایه در دسترس برای حفاری توسعه خواهد یافت. مفاد ابتدایی اجاره نامه، توسعه اطراف، چشم اندازی برای رسیدن به موفقیت و تقاضای موجر که در میان متغیرهای اجاره در تخصیص بودجه حفاری آنها مورد بررسی قرار می گیرد. از آنجایی که مستاجر تصمیم می گیرد که پول خود را در پروژه حفاری خرج نماید، تقاضا می کند که در رابطه با مکان و چگونگی حفاری، آزمایش، تکمیل و عملیات آن اقدام کنترلی صورت گیرد. (بورنت، ۲۰۰۷، ص ۲۳)

همچنین ممکن است مستاجر در پس استخراج نفت و گاز مرتبط با روابط اجاره ای فرصت های اقتصادی را بوجود آورد. به عنوان مثال، مستاجر بخواهد که محصول را با محصولات دیگر بسته بندی کند و به مکان های دیگری که می توانند به سایر محصولات تبدیل شوند، فروخته شوند، تعویض شوند فرستاده شوند یا اینکه با افزایش سرمایه جدید به امید سودهای جدید باشند. دفعات زیادی یک از اهداف تجاری مستاجر در اجاره نفتی و گازی بدست آوردن تولیدی می باشد که او بتواند در سایر شرکت های خود نیز استفاده نماید، مانند بازاریابی پایین دستی، پردازش، پالایش، یا توزیع بصورت خرده فروشی.

بند سوم: شروع جریان دادرسی

واژه فارسی دادرسی مرکب از دو کلمه داد و رسی است که نخستین آن به معنای عدل و انصاف و دومی به معنای رسیدن و رسیدگی کردن است. پس دادرسی یعنی به داد کسی رسیدن یا به دادخواهی کسی رسیدگی کردن است. (عمید، ۱۳۶۳، ص ۲۳۸۸) کلمه trial مصدر است که از try گرفته شده و یکی از معانی لغوی آن سنجش و آزمودن است و در فرهنگ قضایی مفهوم آزمودن را افاده می کند. در لغت هم برخی فرهنگها این کلمه را به معنای رسیدگی رسمی به ادله در یک دادگاه قانونی به وسیله یک قاضی و اغلب یک هیات منصفه برای تصمیم گیری راجع به اینکه شخص متهم به یک جرم، مجرم است یا نه معنی کرده اند. (دیکشنری آکسفورد، ۱۹۹۵، ص ۲۳۸۴) با ملاحظه معنای واژه های دادرسی، محاکمه و trial می توان گفت کلمه محاکمه مشعر بر نتیجه است که عبارت از حکم کردن و فصل خصومت است. واژه trial به مقدمات حکم

اشاره دارد که سنجش و بررسی است و البته این به منظور کشف حقیقت است و دادرسی به رسیدگی برای دادستاندن و داد دادن دلالت دارد. پس دادرسی خود به معنای رسیدگی به عدل است اما در محاکمه و trial چنین وصفی نهفته نیست. لیکن از آنجا که در اصطلاح Fair trial که در این نوشتار از آن به محاکمه یا دادرسی عادلانه یا منصفانه یاد می شود آنچه از وصف عادلانه یا منصفانه مد نظر است متفاوت از مفهوم ماهوی عدل و داد است. (فضایلی، ۱۳۸۷، ص ۴۵)

در صورتی که اختلافی میان آنهایی که در صنعت نفت و گاز می باشند بوجود آید و بند قراردادی توافق شده ای برای حل اختلافات نداشته باشند، این اختلاف به دادگاه ملی برای حل شدن از طریق دادرسی ارجاع داده می شود. به علت طبیعت بین المللی صنعت نفت و گاز، طرفین قرارداد معمولاً مقیم کشورهای مختلف می باشند و معمولاً بیشتر تجهیزات و دارایی آنها نه همه اش در کشوری که مقیم آن هستند می باشد. اصلی ترین نگرانی برای شرکت مواجهه با اختلافی است که دادرسی برای آن در دادگاه کشور بیگانه صورت بگیرد، جایی که دادرسی به زبانی بیگانه و با توجه به سیستم قوانین بیگانه انجام می گیرد. بعلاوه این نگرانی وجود دارد که دادگاه ممکن است مقداری بیگانه ستیزی درباره یک شرکت بیگانه داشته باشد. برای نشان دادن این نکته، در سال ۲۰۰۹ چورون^۱ یک بیانیه داوری را علیه حکومت اکوادور با استناد به تخلف از قوانین کشور تحت معاهده سرمایه گذاری دوطرفه ایالات متحده - اکوادور، توافقنامه سرمایه گذاری و قانون بین المللی رامنشر کرد. مشاوره عمومی چورون اینگونه می باشد:

"به دلیل اینکه سیستم قضایی اکوادور در عملکرد مستقل نفوذ سیاسی ناتوان می باشد، چورون انتخابی نداشت اما بدنبال رهایی از معاهده بین ایالات متحده و آمریکا بود." (آلوسیوس، ۱۹۹۶، ص ۳۹)

این مورد تا به امروز در انتظار بوده. تنها راه عملی برای مساله بیگانه ستیزی وارد کردن یک بند داوری در پیش نویس قرارداد می باشد. در دادخواهی، طرفین در گیر هیچ کنترلی در مورد بازه زمانی فرایند ندارند. بعلاوه، یک اختلاف برای یک مدت زمان طولانی ممکن است حل نشود و هزینه های مربوط به آن افزایش یابند. همانطور که طرفین کنترلی روی جلسه دادرسی ندارند و از

^۱ Chevron

عدم اطمینان و نگرانی درباره اینکه دادگاه ممکن است فاقد تخصص کافی برای بررسی اختلاف باشد رنج می‌برند. در انتقال دانش مربوطه یا بواسطه ارجاع مساله به شخص ثالث برای یک نظر تخصصی ممکن است زمان اتلاف شود. بعلاوه، دادخواهی معمولاً عمومی می‌باشد و همه دادرسی‌ها و قضاوت‌ها بصورت عمومی برگزار خواهند شد. بر اساس ماهیت اختلاف، این موضوع می‌تواند بطور بالقوه به اعتبار شرکت آسیب‌زنند و بر روابط سرمایه‌گذار و سهام بازار تاثیر بگذارد. (سوناراجا، ۱۹۹۰، ص ۲۳۹) این موضوع به رقبای بالقوه هجازه می‌دهد که نسبت به قرارداد شرکت آگاهی داشته باشند و شاید به آنها یک مزیت رقابتی در مناقصه‌های آینده بدهد. علاوه بر این، قضاوت در دادرسی می‌تواند بطور معمول در وهله اول تجدید نظر شود بنابراین بلافاصله پرونده برای یک شرکت بسته نمی‌شود و هزینه‌های بیشتری را به همراه ندارد. بر اساس دلایل اشاره شده، دادخواهی ممکن نیست یک راه امیدوار کننده برای فراهم کردن یک مسیر روشنفصلی برای حل اختلافات در صنعت نفت و گاز باشد. به هر حال، شاید دادخواهی گزینه مورد نظر در دسترس برای طرفین باشد، بر این اساس که آیا مقدار پول درگیر در قرارداد منطقی می‌باشد یا اینکه آياساير فرايندهای حل اختلاف از آن طريق توافق می‌شوند. تعدادی موارد کلیدی وجود دارد که در دادرسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال شرکت اکتشافی آماکوی انگلستان^۱ و شرکت انتقال گاز^۲ که در آنها دادخواهی انتخاب ارجح بود و در قضاوت مجلس اعیان با تغییر یک تصمیم در دادگاه تجدید نظر که به نفع طرف پاسخگو بود اثر گذاشت. این مورد تقریباً در تاریخ شروع در یک ظرفیت مورد توافق درباره حفاظت و حمل و نقل حل و فصل شد. اهمیت تاریخ شروع این بود که طرف پاسخ دهنده در آن مقطع برای پذیرش و دریافت دوباره گاز و ساختن، فرستادن یا پرداخت صورت حساب‌ها با نرخ ۸ میلیون در هر یک چهارم متعهد شده، که آیا از ظرفیت استفاده کرده یا نه. مثالی دیگر قضاوت در دعوایی خاص^۳ می‌باشد که تامین لوله برای یک خط لوله گازی زیر آب از یک میدان گازی^۴، در نزدیکی لیورپول، به سمت ساحل،

^۱ Amacoo

^۲ Teesside Ltd

^۳ BHP Billiton Petroleum Ltd V Damine SpA

^۴ Morecambe Bay

که بخشی از لوله که از نظر متالورژیکی نقص دارد را بررسی می‌کند؛ دالمین نقایص را پذیرفت و گزارشات جعلی بازرسی به قصد فریب را تایید کرد. (دیوید، ۲۰۰۹، ص ۴۰۸) با این وجود، انتخاب ای دی آر در طول دادخواهی به این معنا نیست که دادخواهی در نهایت رخ خواهد داد. گاهی اوقات لازم است که تصمیمی از یک دادگاه از دیدگاه قانون داشته باشیم، برای اصلاححفاظتی یا تاکیدی یا زمانی که یک دستور لازم می‌باشد.

بخش سوم: تلاش برای تشویق به داوری بین المللی

جریان یافتن سرمایه خارجی به بخش های انرژی یک بین المللی سازی افزایش یافته از صنایع و تقاضا برای محافظت بیشتر سرمایه گذار برای سرمایه گذاری خارجی ایجاد کرد. محافظت نه تنها در حقوق ذاتی (رفتار عادلانه و متساوی، غیر تبعیضی و غیره) بلکه در وجود دادگاه بین المللی برای به دست آوردن جبران خسارت یا اظهار ادعا جستجو می شود. برای اطمینان، سرمایه گذاری های مالی قابل توجه حاکم در نفت و گاز و پروژه های انرژی سرمایه گذاران می تواند نیاز به اطمینان داشته باشد به منظور بازداشتن کشورهای میزبان از تغییر قوانین برای خراب کردن (یا بدتر از این سلب مالکیت) سرمایه گذاری خارجی هنگامی که ایجاد می شود. بیشتر کشورهای آمریکای لاتین فهمیدند که به منظور جذب سرمایه گذاری خارجی ممکن است نیاز به پذیرش داوری به وسیله ی تصدیق کنوانسیون های بین المللی با تشویق داوری بین المللی و تغییر قانون گذاری داخلی خود پیدا کنند. در طول پانزده سال گذشته کشورهای آمریکای لاتین چنین گام هایی برداشته اند. (آلوسیوس، ۱۹۹۶، ص ۳۴)

بند اول: کنوانسیون اکسید^۱ برای حل مجادلات سرمایه گذاری

برای ایجاد این اطمینان برای سرمایه گذاران که می تواند هرگونه تغییرات یک جانبه ی آتی در چهارچوب قانونی عمر بیشتری داشته باشند، بیشتر کشورهای آمریکای لاتین کنوانسیون بر حل مجادلات سرمایه گذاری بین دولت ها و ملی های دولت های دیگر (کنوانسیون اکسید) امضا کردند. کنوانسیون اکسید به وسیله ی هیئت مدیره ی مجری بانک جهانی شکل گرفت و در سال ۱۹۶۶ هنگامی که در قرن ۲۰ تایید شد وارد نفوذ شد. از تاریخ آوریل ۲۰۰۶، ۱۴۳ کشور

^۱ ICSID

کنوانسیون را برای طرف قرارداد شدن تایید کرد.

کنوانسیون اکسید یک محکمه ی بین المللی برای حل مجادلات سرمایه گذاری بین دولت میزبان و تبعه های دولت دیگر که تقریباً توسط همه ی کشورهای آمریکای لاتین اتخاذ شده بود ایجاد کرد. پاراگوئه اولین کشور آمریکای لاتین بود که کنوانسیون اکسید را تایید کرد (۱۹۸۳)، گواتمالا آخرین بود (۲۰۰۳)، و چندین کشور وجود دارند که هنوز آن را تایید نکرده اند (برای مثال برزیل، هایتی، کوبا، جمهوری دومینیکان، مکزیک). در میان مزایای دیگر کنوانسیون اکسید به کشورها اجازه ی این را می دهد که رضایت خود قبل از تسلیم مجادلات با سرمایه گذار طرف قرارداد دیگر به داوری بین المللی قبل در برابر مرکز بین الملل برای حل مجادلات سرمایه گذاری (مرکز اکسید)، در برابر دیگر موسسات، یا حتی طبق قوانین داوری آنستیرال ارائه کنند. کنوانسیون اکسید و قضاوت محکمه ی ایجاد شده طبق آن (مرکز اکسید) به عنوان یک سیستم داوری مجادلات قانونی مستقیماً ناشی از یک سرمایه گذاری، یک قضیه ی اثبات شده بند بند در بند (۱) ۲۵ اغوا شدند. این تعریف دو نوع از مجادلات را مستثنی می کند. اول سوالات غیر قانونی و دوم مجادلاتی را که مستقیماً از سرمایه گذاری مشغول ناشی نمی شوند را مستثنی می کند یعنی قانون گذاری اقتصادی کلی که مستقیماً بر سرمایه گذار درگیر تاثیر نمی گذارد. اگرچه اعاده ی حل اختلاف و داوری مرکز اکسید کاملاً داوطلبانه است وقتی که طرفین موافق با داوری طبق اکسید باشند نمی توانند از این توافق کنره گیری کنند و آرها نه تنها تصدیق بلکه اقدام می شوند. (آلوسیوس، ۱۹۹۶، ص ۳۵)

بسیاری از قرارداد ها که توسط کشورهای آمریکای لاتین با کشورهای صادر کننده ی سرمایه امضا شده اند تا سرمایه گذاری تبعه های خود را در قلمروی طرف دیگر را تشویق و محافظت کنند شامل مقررات داوری مشابه یا برابر با آنهایی که در کنوانسیون اکسید می باشند. دولت های آمریکای لاتین اکنون طرفین حداقل ۳۰۰ قرارداد می باشند با مقررات حفاظتی سرمایه گذاری که شامل بندهای داوری می باشند. توافقات تجارت ناحیه ای برای کاهش موانع تجارت در چندین نواحی کوشش می کند و معمولاً حاوی مقررات سرمایه گذاری منحصر به فرد می باشد که به عنوان وسیله ای برای حل مجادلات تجارت ارائه می شود. داوری طبق توجهات اکسید به طور مشابه یکی از مکانیزم های اصلی برای حل مجادلات سرمایه گذاری طبق چهار قرارداد سرمایه

گذاری و تجارت چندجانبه‌ی اخیر می‌باشد: توافق نامه‌ی تجارت آزاد آمریکای شمالی، قرارداد اجاره‌ی انرژی، توافق نامه‌ی تجارت آزاد کارتاگنا و پروتوکول سرمایه‌گذاری کولونیا مرکوسر. کشورهای آمریکای لاتین نیز به توافق نامه‌های تجارت آزاد چند جانبه و قراردادهای ائتلاف اقتصادی منعقد کردند مثل اجتماع آندیان، بازار مشترک آمریکای مرکزی و توافق نامه‌های تجارت آزاد بی‌شمار دیگر.. (سوناراجا، ۱۹۹۰، ص ۲۱۷)

انواع دیگر معاهدات منحصر بر سرمایه‌گذاری تمرکز می‌کنند و همچنین محتمل الحاق قوانین داوری اکسید می‌باشند. معاهدات سرمایه‌گذاری شروع به بسط و توسعه پس از جنگ جهانی دوم کردند وقتی که ملیت‌های صادر کننده‌ی سرمایه به دنبال ایجاد یک قانون بین‌المللی سرمایه‌گذاری بودند. اثبات شده بود که قانون بین‌المللی متعارف برای محافظت از سرمایه‌گذاری خارجی کافی نیست. معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه (بی‌آی‌تی)^۱ شروع به پدیدار شدن در اواخر سال ۱۹۵۰ کرد وقتی که آلمان غربی اولین بی‌آی‌تی را با پاکستان منعقد کرد. کشورهای آمریکای لاتین با کمی استثنا آغاز به مذاکره کردن بر این توافق نامه‌ها در سال ۱۹۹۰ نمودند. امروزه همه کشورهای آمریکای لاتین شامل کوبا حداقل یک بی‌آی‌تی معتبر دارند. برای مثال آرژانتین طرفی است با ۵۳ بی‌آی‌تی؛ پرو ۲۶؛ شیلی ۳۶؛ ونزوئلا ۲۱؛ اکوادور ۲۱. بی‌آی‌تی‌ها در کل محافظت‌های ذاتی مشابهی با دیگر معاهدات ارائه می‌کنند مثل رفتار عادلانه و متساوی، غیر تبعیضی، مساعدترین ملیت و رفتار ملی، و ممنوعیت سلب مالکیت مستقیم یا غیر مستقیم بدون غرامت نقدی، کافی و موثر. بی‌آی‌تی‌ها همچنین محدوده‌ی کاربرد را نشان داده و تعریف می‌کنند (شامل تعریف سرمایه‌گذاری و ملیتی محافظت شده). به‌طور قابل توجه این معاهدات دوجانبه قوانین داوری اکسید را الحاق می‌کنند. اولین اتخاذ کنوانسیون اکسید به وسیله‌ی کشورهای آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۳ تغییری در حساسیت عمومی نسبت به داوری نشان داد. برای بیش از یک قرن بیشتر کشورهای آمریکای لاتین امکان حل مجادلات خود با ملیت‌های خارجی در برابر یک محکمه‌ی بین‌المللی را رد می‌کردند. از اتخاذ کنوانسیون اکسید تا تصدیق معاهدات الحاقی قوانین اکسید سرمایه‌گذاران اعتماد در توانایی خود برای حل مجادلات و به

^۱ BIT

ویژه مجادلات انرژی با استفاده از داوری بین المللی به دست آوردند.

بخش چهارم: قوانین بین المللی حاکم بر اقدام توافق نامه ها و آراء داوری

به علاوه ی کنوانسیون اکسید کشورهای امریکای لاتین مکانیزم های بین المللی دیگری را جستجو کردند برای نشان دادن تعهد خود به داوری بین المللی. ابزارهایی که اقدام توافق نامه ها و آراء های داوری را تضمین می کنند فائق بودند. اگرچه اکثریت آراهای داوری به طور داوطلبانه انجام می شوند، برای تاثیر داوری بین المللی در مقابل تعقیب ملی برحسب اقدام موفق سنجیده می شود. مخصوصا برای داوری، وجود فرایندهای لازم الاجرا برای تصدیق و اجرای آراها به صورت بین المللی را نشان می دهد (یعنی امکان اجرای آرا نه تنها در جایی که داوری رخ می دهد بلکه در هر کشوری که محکوم علیه دارایی دارد). (بورنت، ۲۰۰۷، ص ۱۱)

با اقدام به عنوان یک دغدغه ی کلیدی میان سرمایه گذاران بین المللی، بیشتر کشورهای آمریکای لاتین تصمیم گرفتند مراحل دیگر کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه را دنبال کنند تا دو ابزار حاکم بر اجرای آراهای داوری را تایید کنند- کنوانسیون نیویورک در تصدیق و اجرای آراهای داوری خارجی سال ۱۹۵۸ (کنوانسیون نیویورک)، و کنوانسیون داخل آمریکا پاناما درباره ی داوری تجاری بین المللی سال ۱۹۷۵ (کنوانسیون پاناما). پذیرش داوری خارجی نیز تایید کنوانسیون داخل آمریکا درباره ی اعتبار برون مرزی قضاوت های خارجی و آراهای داوری سال ۱۹۷۹ را شامل می شد (کنوانسیون مونته ویدیو) و رضایت به داوری تحت کنوانسیون موسس آرانس تضمین سرمایه گذاری چند جانبه^۱ و توافق نامه ی سرمایه گذاری با شرکت سرمایه گذاری خصوصی آنور آب^۲ انجام شد. با ملاحظه ی کنوانسیون های بین المللی همه ی کشورهای آمریکای لاتینیکی یا هردو کنوانسیون پاناما و نیویورک را تایید کرده اند که تصدیق و اجرای توافق نامه های داوری و آراهای جکمیت در قلمروی خود را تسهیل می کند. (دیوید، ۲۰۰۹، ص ۴۱۱) کنوانسیون نیویورک بنیاد داوری تجاری بین المللی حاضر می باشد و پذیرش خارق العاده ای در جامعه ی بین المللی به دست آورده است. برای آمریکای لاتین کنوانسیون نیویورک بیش از یک امتیاز است- یک ابزار ضروری برای رقابت در محیط بسیار آزادی سازی شده ی

^۱ کنوانسیون MIGA

^۲ OPIC

تجارت بین الملل بین افراد خصوصی می باشد. از تاریخ آوریل ۲۰۰۶ بیش از ۱۳۵ کشور و همه کشورهای آمریکای لاتین کنوانسیون نیویورک را تایید کرده اند.

هدف اولیه ی کنوانسیون نیویورک محدود کردن زمینه ها که طبق آن دادگاه های ملی می توانند تصدیق و اجرای توافق نامه های داوری و آراهای داوری را رد کنند. اما تصدیق نباید با اجرا اشتباه گرفته شود. آرا می تواند تصدیق شود اما نه اینکه لزوما اجرا شود. تصدیق با تاثیر امر مختومه سروکار دارد که به یک آرای معتبر و لازم الاجرا داده می شود. همانطور که یکی از مفسران بیان می کند، "هدف از تصدیق به طور کلی اقدام کردن به عنوان یک حفاظ می باشد" به منظور جلوگیری از هرگونه تلاش متعاقب توسط یکی از طرفین برای داوری به منظور دادخواهی مجدد موضوع در برابر دادگاه. (الرحمانی، ۲۰۱۱، ص ۹) اقدامات نه تنها تصدیق آراها را مستلزم می کند بلکه تقاضا برای مجوز دارای صلاحیت برای به کار بردن مجازات های قانونی "به منظور تطابق با طرف در برابر کسی که آرا برای اجرای آن داده شده بود". تا آنجایی که اقدام توافق نامه های داوری مورد دغدغه است، کنوانسیون نیویورک بنا می نهد که هنگام رسیدگی به یک موضوعی که طرفین توافق کرده اند که تسلیم داوری کنند، دادگاه دولت های طرف قرارداد باید "طرفین را به داوری ارجاع دهند مگر اینکه بفهمند که توافق اظهار شده بی اثر، غیر عملی و غیر قابل اجرا می باشد". برعکس با نظر به اجرای آراهای حکمیتی کنوانسیون نیویورک ارائه می دهد که دولت ها "باید آراهای حکمیتی را به صورت لازم الاجرا تصدیق کنند و آنها را مطابق با قوانین فرایند قلمروی که آرا به آن بستگی دارد اجرا کند" تحت شرایط معین مشخص شده در کنوانسیون. (بورنت، ۲۰۰۷، ص ۲)

کنوانسیون نیویورک واضح می سازد که اجرای یک آرای حکمیتی تنها زمانی می تواند رد شود که طرفی که علیه آن رای اجرا می شود دلایلی از هریک از پنج زمینه ی زیر تسلیم می دارد:

(الف) عدم صلاحیت؛

(ب) فقدان گواهی انتصاب محکمه ای یا اقدامات یا ناتوانی در ارائه ی یک مورد؛

(ج) فقدان داوری توسط محکمه یا محکمه ای که در بیش از داوری اعطا شده اقدام کند؛

(د) هرگونه اختلال رویه ای؛ یا

(ه) ماهیت ناپیوندی آرا یا این حقیقت که کنار گذاشته شده بوده یا معلق بوده است. بعلاوه

کنوانسیون نیویورک به مقامات ذی صلاح این اجازه را می دهد که اجرای یک آرای حکمیتی خارجی را رد کند چنانچه مورد موضوعی مجادله نتواند به وسیله ی داوری طبق قوانین آن کشور حل شود یا اگر آرا مغایر با سیاست عموم باشد. (دیوید، ۲۰۰۹، ص ۴۱۲)

کنوانسیون پاناما از روی کنوانسیون نیویورک مدل سازی شده بود و مجدداً زبان مشابهی را با در نظر گرفتن زمینه های امتناع تولید می کند. تنها تفاوت قابل توجه این است که کنوانسیون پاناما ارائه می دهد که " در نبود یک توافق نامه ی اظهاری بین طرفین، داوری باید مطابق با قوانین فرایند کمیسیون داوری تجاری داخل آمریکا ایجاد شوند". هیچ گونه مقررات مشابهی در کنوانسیون نیویورک گنجانده نشده بود. ویژگی دیگر کنوانسیون پاناما اعتبار توافق نامه های داوری می باشد تا زمانی که آنها در یک حربه بیان شوند امضا شده توسط طرفین یا در فرم یک تبادل نامه ها، تلگرام ها یا ارتباطات تلکس. این مقررات را از کنوانسیون نیویورک گسترده تر می سازد.

بخش پنجم: نظام حل و فصل اختلافات ناشی از قراردادهای نفت و گاز در حقوق ایران

یکی از مهمترین شروط قراردادهای نفت و گاز مربوط به حل و فصل اختلافات است که در نظام حقوقی ایران نیز نمود یافته است. به طور کلی چنانچه توضیح داده شد شیوه های حل و فصل اختلافات به دو دسته قضایی و غیرقضایی تقسیم می شوند؛ شیوه قضایی مراجعه به دادگاه های ملی و شیوه های غیرقضایی شامل داوری، میانجیگری، سازش و سایر شیوه ها می شود که به شرح آن اشاره شد. از سوی دیگر سازش و میانجیگری به عنوان شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف، در مقابل روش مرسوم حل و فصل اختلاف، یعنی داوری قرار می گیرد؛ چرا که از بین شیوه های غیرقضایی حل و فصل اختلافات در حوزه نفت و گاز هم صرفاً شیوه داوری الزام آور است. در ذیل به شرح تحلیلی موضوع اشاره خواهد شد.

بند اول: مراجعه به دادگاه های ملی

مراجعه به دادگاه های قضایی کشورها در حوزه نفت و گاز همچون تشریفات طولانی، هزینه های سنگین، مشکلات اجرای آرای دادگاه ها و سایر محدودیت های این گونه رسیدگی ها کمتر مورد توافق قرار می گیرد، مراجعه به دادگاه های ملی بیشتر در حوزه نفت و گاز زمانی اتفاق می افتد که

در قرارداد در خصوص شیوه حل و فصل اختلاف، توافقی صورت نگرفته باشد و در اثر بروز اختلاف، یکی از طرفین قرارداد، اقدام به اقامه دعوی در دادگاه های ملی واقع در کشور متبوع خود و یا کشور دیگری کند. در ادامه به بررسی صلاحیت دادگاه های ایران در این خصوص اشاره می شود.

بند دوم: اقامه دعوی در دادگاه ایران

وقتی دعاوی راجع به قرارداد های نفت و گاز یا هر دعوای دیگری در دادگاه ایران اقامه می شود؛ و دعوی جنبه بین المللی دارد، برای تعیین صلاحیت بین المللی قاضی ایرانی باید به قاعده تعیین صلاحیت قضایی بین المللی در حقوق ایران مراجعه کند و نسبت به صلاحیت یا عدم صلاحیت دادگاه ایرانی تصمیم گیری نماید. این همان قواعدی است که در حوزه حقوق بین الملل خصوصی نیز کاربرد دارد و بسیاری از علمای این علم در مورد آن سخن گفته اند. در این راستا در حقوق ایران تنها ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران است که بر صلاحیت عام اشاره دارد و متضمن قاعده صلاحیت بین المللی است:

«دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می شود. مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.» بر طبق قاعده «لکس فوری» که یک قاعده پذیرفته شده در حقوق بین الملل است، دادرسی در یک دادگاه، تابع قانون کشوری است که دادگاه در آن واقع شده است؛ زیرا مرجع این قوانین مربوط به اداره امور کشور می باشد و نمی توان قوانین کشور دیگر را در آن مداخله داد. همچنین ممکن است از قانون مربوط به داوری استفاده شود که خود مقوله ای مستقل می باشد.^۱ طبق این ماده در موردی که دعوی در دادگاه ایران اقامه شده باشد، تعیین صلاحیت قضایی طبق قانون ایران به عمل خواهد آمد. اما نکته این است که در حقوق ایران در خصوص صلاحیت بین المللی محاکم مقررات خاصی مقرر نشده است و به همین دلیل دادگاه ایران باید طبق قواعد صلاحیت داخلی بر صلاحیت یا عدم صلاحیت خود رای دهد. قواعد صلاحیت داخلی در قانون آیین دادرسی مدنی ایران در مواد ۱۱ الی ۲۵ قانون پیش بینی شده است. طبق این مواد قاعده

^۱ قاسم زاده، سید مرتضی، ره پیک، سیامک، کیایی، عبدالله، تفسیر قانون مدنی، نشر سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۰، ص ۳۲۸

صلاحیت قضایی محلی دادگاه محل اقامت خواننده اصل بوده و قواعد دیگر ناظر بر تعیین صلاحیت دادگاه در مواردی که عنصر خارجی دخیل است اشاره کرده و بعد بین المللی گرفته است: «دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خواننده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خواننده در ایران اقامت نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل اقامت سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هر گاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیر منقول داشته باشد، دعوی در دادگاهی اقامه می شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است و هر گاه مال غیر منقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه دعوی خواهد کرد.»

بند سوم: اجرای آرای دادگاه های خارجی در ایران

افزون بر دادگاه های ایرانی ممکن است طرفین قرارداد به منظور اطمینان از استقلال و بی طرفی مرجع رسیدگی کننده، دادگاه های کشور ثالثی را به عنوان مرجع حل و فصل اختلاف انتخاب کنند. اقامه دعوی در دادگاه های کشور ثالث ممکن است مشکلاتی را به دنبال داشته باشد و یا اقامه دعوی در این محاکم با مانع جدی روبرو شود. در برخی موارد ممکن است محکمه کشور ثالث که هیچ گونه ارتباطی با طرفین یا موضوع قرارداد ندارد، از پذیرش صلاحیت در رسیدگی به دعوی اقامه شده خودداری و قرار عدم صلاحیت صادر کند. اقامه دعوی در کشور ثالث مستلزم صرف وقت و هزینه های سنگین، نظیر استخدام وکیل محلی، هزینه های دادرسی و مشکلاتی مانند عدم آشنایی مقررات آیین دادرسی در کشور مزبور و غیره است. یکی دیگر از مشکلات اساسی که به هنگام اقامه دعوی در کشور ثالث ممکن است بروز کند، عدم امکان اجرای رای صادر از این محاکم، در کشور مورد نظر محکوم له است؛ به عبارت دیگر بر خلاف شیوه داورى که سیستم اجرای آن مطابق با کنوانسیون های بین المللی همچون کنوانسیون نیویورک دارای یکپارچگی مقررات بین المللی و مطمئن و قابل قبول است، در خصوص اجرای احکام دادگاه ها، در سطح بین المللی، همواره اجرای این احکام با مشکلات عدیده ای روبرو بوده است.

نتیجه گیری

در نتیجه گیری پایانی این مقاله باید گفت داوری به عنوان شیوه اصلی حل و فصل اختلاف های تجاری در حوزه قراردادهای نفت و گاز نیز وارد شده است. از این رو این روش فرآیندی است که به موجب آن طرفین توافق می کنند اختلاف آتی یا حادث شده خود را خارج از دادگاه و به وسیله رای الزام آور شخص خصوصی مستقل و بی طرف به نام داور حل و فصل کنند. داوری در حوزه قراردادهای نفت و گاز نیز در مقایسه با اختلاف در دادگاه های ملی، دارای مزیت های متعددی است که از جمله می توان به استقلال و بی طرفی داور، یا محکمه داوری، سازوکار یکپارچه و موثر اجرایی، محرمانه بودن، انعطاف قواعد رسیدگی، سرعت و تخصص اشاره کرد.

طرفین قرارداد که داوری را به عنوان شیوه حل و فصل اختلافات بر می گیرینند، بهتر است یک شرط داوری جامع و دقیق تنظیم کنند تا این شیوه بهینه حل و فصل اختلافات نفت و گاز در تنگنای عبارت های مبهم، کارایی خود را از دست ندهد، به عنوان مثال یک شرط داوری جامع بهتر است با این عبارت شروع شود: «هر گونه اختلاف ناشی یا مرتبط با این قرارداد شامل هر گونه اختلاف در خصوص ایجاد، اعتبار یا خاتمه آن یا اجرا و یا عدم اجرای آن باید بر اساس داوری حل و فصل شود.» در برخی موارد ممکن است به دلیل اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد، طرفین آن ترجیح دهند با تنظیم یک شرط داوری مضیق، اختلافات قابل ارجاع به داوری را احصاء کنند. باید توجه داشت چنانچه قلمرو موضوعی اختلافات قابل ارجاع به داوری به صورت مضیق و محدود تعیین شود، در صورتی که به هنگام بروز اختلاف داور یا داوران خارج از حدود اختیارات تفویضی رای دهند، رای صادره توسط دادگاه قابل ابطال خواهد بود. از سوی دیگر به هنگام تفسیر شرط یا اجرای قرارداد داوری، محکمه داوری ممکن است بر حسب عبارت هایی که طرفین در خصوص تعیین قلمرو موضوعی اختلافات قابل ارجاع به داوری به کار برده اند، دایره شمول صلاحیتش افزایش یابد یا محدود شود. ممکن است محکمه داوری خود را صالح به رسیدگی خارج از قرارداد نداند در حالی که درج عبارت هر گونه اختلاف ناشی از قرارداد یا مرتبط با آن، گستره وسیعی از اختلافات ناشی که ممکن است ناشی از قرارداد نباشد، ولی مرتبط با آن باشد، مانند رقابت مکارانه، تجارت غیر منصفانه و دیگر مسئولیت های خارج از قرارداد را نیز در بر گیرد. همچنین لازم به ذکر است از جمله مهمترین موسسات داوری در سطح جهانی می توان به

دیوان داوری اتاق بازرگانی بین المللی، اتاق بازرگانی بین المللی، دیوان داوری بین المللی لندن، انجمن داوری آمریکا، مرکز داوری هنگ کنگ اشاره کرد. در ایران نیز مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران عملاً شروع به فعالیت کرده است که در حوزه قراردادهای نفت و گاز نیز وارد در کار شده است. در حوزه نفت و گاز امری یا اختیاری بودن مقررات داوری موسسات داوری در خود این مقررات بیان شده است به نحوی که مثلاً طرفین می توانند در مورد خود این مقررات توافق نمایند و در مورد برخی دیگر چنین اختیاری بدانها داده نشده است. پس باید توجه داشت یکی از وظایف اصلی و کلاً به هنگام تنظیم قراردادهای نفت و گاز اطلاع از این قواعد آمره و دقت در عدم تعارض شرط داوری با موافقت نامه داوری با این مقررات است. در غیر این صورت ممکن است طرفین قرارداد خود را در معرض عدم پذیرش داوری توسط موسسه مزبور و بی اثر شدن شرط یا توافقنامه داوری قرار دهند. هنگامی که طرفین قرارداد توافق بر ارجاع اختلاف به موسسه داوری معینی را در نظر دارند، توصیه می شود که در صورت عدم تسلط کامل و اشراف بر مقررات داوری سازمان مزبور، برای تنظیم شرط داوری، حداقل شرط نمونه داوری موسسه مورد بحث را به عنوان شرط داوری در قرارداد خود قرار دهند. برای وکلای ایرانی یکی از راه هایی که طرفین قرارداد می توانند با استفاده از آن خلاء های موجود در قواعد و مقررات موسسات داوری را جبران کنند، استفاده از قواعد متنوعی است که توسط کانون های وکلاء تهیه و تدوین می شود. به عنوان مثال از آنجا که بسیاری از قواعد داوری موسسات داوری و حتی قواعد داوری آنسترال به طور جامع و مفصل به ادله اثبات دعوی نپرداخته اند. درج قواعد مربوط به ادله اثبات دعوی است. این قواعد که در بردارنده مقرراتی در خصوص ارائه اسناد، احضار شهود و کارشناسان، بازرسی و نیز فرآیند شهادت شهود و رسیدگی به اسناد است؛ به نحوی تنظیم شده که افزون بر داوری سازمانی در داوری موردی در نفت و گاز هم قابل استفاده است.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- اصلانی، حمید رضا، حقوق مالکیت صنعتی در فضای سایبر، نشر میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۹
- توسلی جهرمی، منوچهر، نگاهی به شیوه های جایگزین حل اختلاف در مقررات جدید اتاق بازرگانی، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۶ و ۲۷، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱
- حسینی، سید محمد، نقش میانجیگری در فصل دعاوی و پاسخ دهی به نقض هنجارها، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۵، سال ۱۳۷۸
- رهبری، ابراهیم، حقوق اسرار تجاری، نشر سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۵
- زهر، هوارد، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه حسین غلامی، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۸۳
- زهر، هوارد، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه حسین غلامی، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۸۳
- شیروی، عبدالحسین، داوری تجاری بین المللی، نشر سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۷
- صابری انصاری، بهزاد، نظام حل و فصل اختلافات بین المللی در حوزه مالکیت معنوی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱
- صابری انصاری، بهزاد، نظام حل و فصل اختلافات بین المللی در حوزه مالکیت معنوی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱
- ضیایی بیگدلی، محمد رضا، حقوق بین الملل عمومی، نشر گنج دانش، چاپ سی و یکم، ۱۳۹۸
- فضایی، مصطفی، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی، نشر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷
- مصلحی، علی حسین و صادقی، محسن، نگاهی به شیوه های جایگزین حل اختلافات ADR، نامه مفید، سال ۱۰، شماره ۴۶، بهمن و اسفند ۱۳۸۳

ب) منابع لاتین

- Alramahi, mohamad, dispute resolution in oil and gas contracts, pdf file. ۲۰۲۱
- Douglas A.Henderson, Avoiding Litigation with the Mini – Trial: The Corporate Bottom Line as Dispute Resolution technique, South Carolina Review, No. ۴۶, Winter ۱۹۹۵, p ۱۲
- Edmund Aloysius wlash and Stephen duggan. The history and nature of international relations. USA. ۱۹۶۹
- http://www.iccwbo.org/drs/english/expertise/psf_documents/rules/rules_expert_english.pdf
- ICC International Center for Expertise
- Mediation handbook, Harvard university program on negotiation, spring seminar ۲۰۲۰
- Oxford advanced learners dictionary ,as.honby,fifth edition, ۱۹۹۵.ed.jonathan crowther, ۲۰۰۵
- Pierce.E.david, astructual model for arbitrating dispute under the oil and gas lease, natural resources journal. ۲۰۱۹
- Sonarajah M, International Commercial Arbitration, the problem of state contracts, singaporem ۱۹۹۰, p ۹۱
- Sonarajah M, International Commercial Arbitration, the problem of state contracts, singaporem ۱۹۹۰
- Tarsem Singh Bhogal and Arun Kumar Trivedi, International Trade Finance: A Pragmatic Approach , Basingstoke , Palgrave Macmillan , ۲۰۰۸, p ۳۹
- Zho ,yun ,dispute resolution in electeronic commerce , martinus nijhoff publishers, leiden.the Netherlands , ۲۰۰۵
- Zho,yun,dispute resolution in electeronic commerce , martinus nijhoff publishers,leiden.the Netherlands, ۲۰۰۵